



سید مهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ساعت ۱۴:۳۰ روز جمعه به وقت واشنگتن در کاخ سفید با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان دیدار کرد. رئیس‌جمهور آمریکا پیش از دیدار در توتیتی به اهداف خود از این نشست اشاره کرده بود. در بخش ابتدایی متن ترامپ آمده است: «این دو کشور سال‌ها در جنگ بوده‌اند که به مرگ هزاران نفر انجامیده است. رهبران بسیاری تلاش کرده‌اند این جنگ را پایان دهند، اما موفقیتی حاصل نشده‌ بود... تا امروز، و این به لطف «ترامپ» است.» این توصیفات و برجسته‌سازی شخصی حکایت از تمایل ترامپ به ساختن یک جایگاه بزرگ برای خود در تاریخ جهان و آمریکا دارد. او با ادعای تلاشش برای جلوگیری از جنگ‌ها و کشته شدن مردم در پی کسب جایزه صلح نوبل است.

با این حال بخش اصلی متن مربوط به بندهای پایانی بود. در این قسمت آمده است: «ایالات متحده همچنین با هر دو کشور توافق‌نامه‌های دوجانبه‌ای امضا خواهد کرد تا فرصت‌های اقتصادی مشترک را دنبال کنیم، به‌طوری که بتوانیم پتانسیل کامل منطقه قفقاز جنوبی را آزاد کنیم.»

رئیس‌جمهور آمریکاباولعی سیری‌ناپذیر به دنبال تسلط بر منابع و منافع اقتصادی است؛ راهی برای کسب سود مازاد و البته بیشتر از آن تضمین برتری دلار که سودی بآورد ه‌برای واشنگتن ایجاد می‌کند.

■ ■ ■

نکات

در خصوص وقایع مرتبط با کریدور جمعی زنگرور نکاتی وجود دارند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱- در قضایه ایجاد کریدور آی‌مک که جنوب آسیا را از مسیر خلیج فارس و فلسطین اشغالی به مدیترانه و اروپا متصل می‌کرد، کار به اجرای عملیات ۷ اکتبر رسید.

باوقع جنگ طوفان الاقصی اجرای طرح به تعویق افتاده و یا موانعی رو به‌رو شد. در برابر این طرح مقاومتی چندجانبه با اهداف متنوع شکل گرفت که شجاعانه و فداکارانه بود. جنگ طوفان الاقصی برای مسدوسازی آی‌مک بود اما منحصراً به فلسطین نمی‌شد. فلسطینی‌ها اوالی غزیه دانستند رژیم صهیونی برای فراهم آوردن زمینه‌های کریدور آی‌مک و تسلط کامل بر ساحل و تثبیت خود حمله خواهد کرد، اما ضرب‌های پیش‌دستانه

شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۹

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



در عصری که میدان نبرد از خاک‌ریزهای فیزیکی به فضای ذهن و باورهای جوامع منتقل شده است، جنگ شناختی به‌عنوان پیچیده‌ترین و مؤثرترین شکل نبرد مدرن ظهور کرده است. این جنگ نامرئی که با ترکیب ابزارهای روانی، سایبری و رسانه‌ای به دنبال دگرگونی ساختارهای فکری جوامع است، مرزهای سنتی دوست‌ست و دشمن را در نوردیده و با دستکاری نظام ادراکی، به دنبال ایجاد تغییرات بنیادین در باورهای اساسی ملت‌هاست. محمد حسین قربانی زواره، پژوهشگر حوزه جنگ‌های ترکیبی و شناختی، در این گفت‌وگوی تخصصی به واکاوی ابعاد پنهان این نبرد پرداخته و با تشریح مؤلفه‌های ده‌گانه جنگ هیبریدی، نشان می‌دهد چگونه بازیگران معاند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و گروهک‌های تروریستی به‌عنوان ابزارهای نیابتی، به دنبال ایجاد بی‌ثباتی و تغییر در معادلات امنیتی هستند. تحلیل تجربه جنگ ۱۲ روزه به‌عنوان نمونه‌ای عینی از این نبرد چندبعدی و بررسی راهکارهای تقویت تاب‌آوری ملی در برابر این تهدیدها از دیگر محورهای این گفت‌وگوی راهبردی است.

■ ■ ■

جنگ شناختی چگونه از ترکیب ابزارهای روانی، سایبری و رسانه‌ای برای ایجاد تغییر در باورهای جامعه هدف استفاده می‌کند؟

جنگ شناختی در حقیقت تلاشی هدفمند برای ایجاد جریان‌های تحول‌آفرین در ساختارهای ذهنی و باورهای یک جامعه است. این نوع جنگ با بهره‌گیری از ابزارهای سایبری و رسانه‌ای می‌کوشد نگرش‌ها و باورهای عمومی را به‌گونه‌ای جهت‌دار دگرگون سازد.

تسلیم شدن نخست‌وزیر ارمنستان در برابر طرح نابودی کشورش در نشست واشنگتن

دَر از پاشینیان می‌لنگد

وارد کردند. پس از آن از یمن و لبنان تا ایران و عراق در نبردها مشارکت کردند. در

۲- بسیاری از مشکلات قابل تشخیص وجود دارند که به دلیل بی‌سابقه بودن، برخی کارشناسان و سیاستمداران بر اساس خطای ذهنی، وقوع آن را بعید و دور از واقعیت ارزیابی می‌کنند.

استفاده از نفوذی‌ها در پوشش اتباع بیگانه و گسیل نظامیان سابق افغان که توسط ناتو آموزش دیده بودند به داخل کشور یکی از این ماجراهاست. همچنین حمله رژیم صهیونی و آمریکا که بالاخره رخ داد. با تجربه‌ای که در جنگ ۱۲ روزه حاصل شد، باید مراقبت‌های بیشتری داشت و تحقق سناریوهارا به‌دلیل بی‌سابقه بودن، بعیدودور از واقعیت تلقی نکرد. این احتمال می‌رود که در صورت اقدام در زنگرور، دشمن با امکانات خود در شرق به ایران‌ضربه بزند. خبرهای تأیید‌نشده‌ال همکاری ترکمنستان همراه با آذربایجان و ترکیه در تسهیل حملات رژیم صهیونی به کشور یکی از این وقایع است. ترکیه عضوی از ناتوست و آذربایجان مدت‌هاست دست به تحرکات ناممومل زده و به شدت مسلح شده‌است، اما گمان نمی‌رفت ترکمنستان به‌عنوان کشوری بسته که رویه‌اش بی‌طرفی در نظام بین‌الملل است، این گونه رفتار کند.

یک سناریوی محتمل ورود امواج مسلح به داخل کشور است. باید توجه داشت که سابقه دشمن نشان می‌دهد، آن‌ها علاقه دارند مشابه ضرباتی را که می‌خورند برای ایران به وجود آورند. در سال ۱۴۰۱ یکی از اهداف تبدیل کردن برخی اقشار در ایران به هدف عملیات‌های کور بود؛ تلاشی برای بازسازی حملات شهادت‌طلبانه فلسطینی‌ها در قالب ترانندازی، سلاح سرد و زیرگیری با خودرو علیه شهرك‌نشینان راست‌گرا در کرانه باختری.

از این رو محتمل است دشمن از روی کینه به دنبال حمله‌ای خارجی تقریباً مشابه ۷ اکتبر باشد؛ به این شکل که دسته‌های مسلح به سلاح‌های سبک، راکت و وانت‌های تاکتیکال مرزهای شرقی را شکافته و با غافلگیری ضرباتی وارد کنند. تحقق این امر دشسوار اما یکی از اهداف دشمن برای انتقام ۷ اکتبر است. از این رو آسیای میانه، افغانستان و شمال شبه‌قاره اهمیت بالایی دارند. در شمال غرب به دلیل مرزهای کمتر، مراقبت بالا کرهستانی بودن و وجود جمعیت بومی کرد اچرازی چنین عملیاتی چندان امکان‌پذیر نیست.

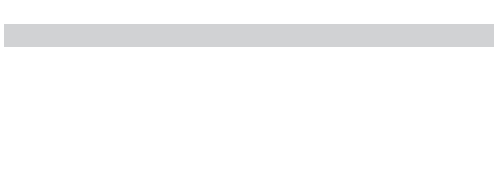
تحولات شکل گرفته در ۲۲ ماهه‌گیری طوفان الاقصی تلاش دشمن برای ایجاد امواج گسترده ترور یستی در شرق و تا حدی در کرسنان را نشان می‌دهد.

۳- هدف صهیونیست‌ها که در کریدور آی‌مک مدتی دچار وقفه شدند، درگیرسازی فوری ایران با محیط پیرامونی است تا بتوانند نقش پشتیبانی ایران از محور مقاومت و فلسطین را کاهش دهند. حملات مستقیم رژیم صهیونی و ناتو آسیب‌هایی به خط

جنگ ۱۲ روزه و نقش آفرینی بازیگران نیابتی در پازل چندبعدی دشمنان ایران

گروهک‌های تروریستی چگونه ابزار جنگ شناختی می‌شوند؟

در انتقال فناوری‌های نوین از ایالات متحده به این رژیم دارد. در این نبرد، سه اصل کلیدی در چهارچوب جنگ‌های هیبریدی شناختی توسط رژیم صهیونیستی به کار گرفته شد: جزئی‌گرایی در عملیات (Granular Action)، فناوری محوری، و بهره‌گیری از سامانه‌های رباتیک. این رژیم در کنار اقدامات نظامی سسخت‌افزاری، به‌صورت هم‌زمان از ظرفیت‌های حوزه‌های ده‌گانه جنگ هیبریدی، از جمله دیپلماسی تهاجمی، فضای سایبری، رسانه‌ها و دستکاری نظام‌مند اطلاعات بهره‌برد. چنین الگوی تلفیقی و چندبعدی، برگرفته از راهبردها و پیشینه‌های مطرح‌شده در اتاق‌های فکر آمریکایی نظیر رند و کارنگی است که بر تغییر ادراک عمومی، گسترش هراس روانی و ایجاد اختلال در انسجام شناختی جامعه هدف تأکید دارند. هدف اصلی از اجرای این راهبرد، القای «غافلگیری مستمر» و سپس کاشت بذر «بی‌اعتمادی عمومی» در بطن جامعه ایرانی است؛ پدیده‌ای که در صورت تداوم، می‌تواند مسیر را برای اشکال مختلف «براندازی نرم» هموار سازد. نکته اینکه همان‌گونه که رژیم صهیونیستی در حوزه جنگ سخت از فناوری‌های پیشرفته بهره گرفت، در عرصه جنگ هیبریدی شناختی نیز تلاش کرد تمرکز خود را بر تأثیرگذاری مستقیم بر افراد و ذهنیت‌های عمومی معطوف سازد. به‌ویژه توجه خاصی به بهره‌برداری هدفمند از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های ارتباطی دیجیتال نشان داده شد. تمام این روندها قابل مشاهده، تحلیل و ارزیابی راهبردی هستند.



۱۳- تزلزل در امنیت غذایی

یکی از برنامه‌های رژیم، ایجاد اختلال در زنجیره تأمین و توزیع خورد و خوراک مردم است. از این جهت، از آغاز تا انجام این فرایند، به دنبال ایجاد بگ برای ضربه‌زدن به امنیت غذایی و ایجاد نارضایتی انباشته و متراکم مردم است.

۱۴- بازگیری بیشتر و وسیع‌تر

رژیم، تلاش فراوان دارد که از بدنه و سطوح مختلف اجتماعی بازگیری کند. بخشی از این تلاش معطوف به تربیت بدنه میدانی رژیم در مواقع بحرانی و لزوم حضور است و بخش دیگر به واسطه سمپاتی و ایجاد ارتباط و هم‌پنشی است و بخش دیگر هم، به انزوا و عزلت‌بردنشنان و عدم همراهی با انقلاب است. برای این اهداف متعدد، برنامه‌های متنوع طراحی شده‌تا هر سطحی به تناسب به پیک خود برسد و در واقع بازگیری کاملی انجام شود.

۱۵- فرو ریختن قبح‌تعرض

یکی از مهم‌ترین ذهنیات رژیم این استست که به تجاوز و تعدی‌اش، به مثابه یک حق یا حداقل یک انتخاب لازم‌نگاه شود. دشمن می‌داند مادامی که عنوان حمله و تهاجم صورت گرفته، تجاوز و تعدی‌گری باشد، در ذهن قاطبه مردم محکوم و مطرود است؛ اما اگر آن را به مثابه یک واکنش و انتخاب ناگزیر جاب‌زند، می‌تواند سطح تعرض را طوری بالا برد و متعارف کند که سطوح پایین‌تر، بدیهی و لازم‌جر جولو کند. لذا مذکوره هسته‌ای در جریان و آنچه در فرایند مذاکره تصویری می‌شود، از یک جنبه، برای تدارک همان انتخاب ناگزیر در ذهن مخاطب است.

۱۶- مشغول شدن به فکر جنگ

دشمن غاصب، معمولاً چند هدف را در قالب برنامه‌ریزی آرمانی (Goal Programming) پیش می‌برد و تلاش دارد تا با منسغول شدن جبهه مقابل به یک هدف، در سبایر هدف‌ها، پیشروی کرده و پیروزی کسب کند. رژیم عمدتاً اهداف نظامی، سیاسی و اقتصادی را با هم پیش می‌برد و بعضاً با ایجاد مشغولیت ظاهری در یک جبهه، به دنبال تحقق سایر اهداف است. اولویت‌های

۸- به‌زعم دولت‌های قفقاز جنوبی، ادامه یافتن تهدید هجوم مجدد آمریکا و رژیم صهیونی به ایران برای آن‌ها همانند یک سپر عمل می‌کند تا قادر به امضای توافق باشند. در قبال روسیه این‌سپر حفاظتی تهدیدها در حوزه هسته‌ای و محدودیت صادرات نفت است. ۹- پاشینیان به دلیل روند شدید غرب‌گرایی در ارمنستان، روس‌هراسی شدید به دلیل نفوذ طولانی مدت و تسلط رسانه‌ای متحدانش در داخل با مشکل زیادی روبه‌رو نیست. دستگاه‌های نظامی و امنیتی هم با کسازای شده‌یا خود به‌بخشی از روند تغییر دیدگاه‌ها تبدیل شده‌اند. در نتیجه با وجود شکست در جنگ قریباغ و گذشت ۶ سال از آن خبری از تغییر دولت نیست. از این رو ارائه جنوب ارمنستان به آمریکانیز به‌سختی باعث اثرگذاری بر وضعیت دولت می‌شود.

۱۰- ارمنی‌ها لای قدرتمندی در آمریکا دارند اما عملکرد آن به چند دلیل در حفظ منافع ارمنستان دچار مشکل شده‌است.

اولین مورد به احتمال معکوس شدن اثرگذاری آن بازمی‌گردد به این معنا که آن‌ها به جای پیگیری جدی منافع ارمنستان، به ضلعی مهم از پیگیری اهداف آمریکا در این کشور تبدیل شده‌اند. به عبارتی آن‌ها به جای تحت فشار قرار دادن آمریکا در حال اعمال فشار به دولت ارمنستان به نیابت از واشنگتن هستند. مورد دوم ناکامی این لایه در مواجهه با لایهی صهیونیستی، آذربایجان و ترکیه است که بر زنگرور تمرکز کرده‌اند.

سومین عامل، بی‌تأثیری لایه‌ها در برابر سیاست‌های کلان آمریکاست. در قضایه تعریف‌ها دولت ترامپ، رژیم صهیونی را در لیست دولت‌های شامل تعریف قرار داد و آن را با وجود تلاش‌های شدید صهیونیست‌ها حفظ کرد.

همچنین در قبال هند تصور می‌شد رشد خیره‌کننده هندی‌تباران در سطوح عالی هر دو حزب آمریکا باعث تغییرات مثبت عمیق در رابطه با دهلی نو شود اما در حال حاضر اقتصاد هند به دلیل حضور در بریکس، شش‌انگهای و ادامه خرید انرژی و مبادلات تجاری قابل توجه با روسیه هدف تعریف ۵۰ درصدی قرار گرفته است. نمونه هند و رژیم صهیونی که لایه‌های قدرتمندی در واشنگتن دارند، این مسئله را نشان می‌دهد. این دو دولت و لایه‌هاشان بسیار قدرتمندتر از ارمنستان و لایه ارمنی هستند.

۱۱- کساکان در باره نتیجه جنگ با ایران تردیدهایی وجود دارد و دو طرف اعلام پیروزی کرده‌اند. ترامپ می‌خواهد با اجرای سریع توافق صلح در قفقاز و استقرار آمریکا در مرزهای شمالی ایران، ادراک از موفقیت خود در جنگ را پررنگ‌تر سازد.

فره‌نچینگان



گروهک‌های تروریستی چه ظرفیتی برای استفاده در جنگ‌های ترکیبی-شناختی نیابتی دارند؟ ارزیابی شما از عملکرد آن‌ها در جنگ ۱۲ روزه چیست؟
در ارتباط با گروه‌های تروریستی باید تأکید کرد ظرفیت اصلی این بازیگران، ایجاد آشوب ویی‌ثباتی در مناطق مختلف سرزمینی جمهوری اسلامی ایران است. با ظهور سسل‌های تهدیدآفرین از سوی گروه‌های تروریستی و شورشی، این عناصر به‌عنوان بازیگران جایگزین (Proxy Actors) در نظر گرفته می‌شوند که رژیم صهیونیستی تلاش کرده آن‌ها را در چهارچوب ده‌گانه جنگ‌های هیبریدی شناختی، به‌صورت غیرخطی و هدفمند فعال سازد. ظهور این گروهک‌های تروریستی، ابزاری موقت برای ایجاد ناامنی و انحراف تمرکز نهادهای امنیتی از تهدیدات کلان است. بااین‌حال آنچه در جنگ ۱۲ روزه مشاهده شد، حاکی است که به‌واسطه سطح بالای همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی به نیروهای مسلح، اقتدار حاکمیت و هدایت رهبر معظم انقلاب، ظرفیت عملیاتی این گروه‌ها در نطفه خنثی شد و فعالیت آن‌ها، فاقد نمود عینی قابل اندازه‌گیری بود. بااین‌حال آنچه مورد توجه اتاق‌های فکر صهیونیستی- غربی قرار دارد، بهره‌گیری مقطعی، موضعی و جایگزین از این ابزارهای بی‌ثبات‌ساز در شرایط ایجاد «فضای آشوب‌ناک» است؛ فضایی که در آن، اقدامات کوچک و پراکنده می‌تواند آثار روانی و اجتماعی قابل توجهی به‌جا بگذارد. بر همین اساس، افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی، نقش مؤثری در تقویت تاب‌آوری ملی دارد. به‌ویژه، مشارکت فعال مردم در گزارش‌دهی، رصد و شناسایی تحرکات گروهک‌های تروریستی، می‌تواند در خنثی‌سازی تهدیدها در مرحله اولیه، نقشی راهبردی ایفا کند. از سوی دیگر، باید توجه داشت اقدامات این گروه‌ها در سایه نفرت عمیق عمومی نسبت به رژیم صهیونیستی، با شکست مواجه شده؛ چراکه افکار عمومی این گروه‌ها را نمایندگان مستقیم رژیم صهیونیستی می‌دانند.



فعلی رژیم، استقرار کریدور داوود در ترکیه (و اتصال آن به کریدور زنگرور) و خط آمیک از طرف دیگر در جبهه اقتصادی و توسعه پیمان ابرهیم تا اوراسیا با محوریت آذربایجان در جبهه سیاسی است. لذا با مشغول شدن به جنگ و بعد از آن فکر جنگ (احتمال تهاجم بعدی)، رژیم به نمایندگی منافع ایالات متحده، به دنبال توسعه سیاسی و اقتصادی و مهار ایران است. این خط، به خودی خود روسیه را هم در تنگنا قرار می‌دهد. باید یاد داشت برای چنین هم‌خواب قابل تعبیری دیده شده است؟

۱۷- غیرقابل پیش‌بینی بودن رژیم در ذهن جبهه مقابل

یکی از منویات رژیم این استست که در ذهن طرف مقابل غیرقابل پیش‌بینی شود و هر بار که بازی به تکرار می‌افتد، برگه جدیدی رو کند. از آنجا که نوع بازگیری رژیم حدو مرز ندارد، لذا «غیرقابل پیش‌بینی بودن» هم، مصادیق متنوع و متعددی به خود می‌گیرد و دست رژیم در آن باز است.

نهایت اینکه، آنچه این روزها، روی تمیز صمیمات راهبردی رژیم صهیونی قرار گرفته و در سناریوهای تئوری بازی‌های رژیم در تقابل با ایران به‌عنوان برنامه دیده می‌شود برای آن طراحی‌های متنوع و بعضاً موازی صورت می‌پذیرد عبارتند از: ۱- ایجاد پنجه فرصت جدید برای ضربه به نرم‌آرا ما هز به حد اقلی ۲- تضعیف اتحاد و انسجام ملی ایرانیان با وارد آوردن فشارهای داخلی و خارجی ۳- خسته کردن و به‌هم ریختگی ذهنی و شناختی مردم ۴- ایجاد فاصله معنایی بین خواست حاکمان و توان و تمایل توده مردم بدیهی است برخی از ذهنیات رژیم در دسترس تر و برخی تا حد محال و ناممکن پیش می‌رود ولی آنچه لازم است از طرف جبهه خودی طراحی و برنامه‌ریزی شود، عبارت است از: بستن مفذه‌ای محقق شدن هر یک از ذهنیات از طریق عملیات امنیتی، رسانه‌ای، فکری و شناختی و البته تغییر نوزانه.